

❖ چرا صلح را می‌بازیم؟! ❖

❖ مجید مرادی/ پژوهشگر مطالعات اسلامی و خاورمیانه ❖

@Nehzatazadiiran

سال ۱۳۶۱ پس از فتح خرمشهر نهضت آزادی و بسیاری از سیاستمداران چشم به پایان جنگ داشتند اما این جنگ شش سال دیگر هم ادامه یافت تا تمام ذخائر ایران که در دوره پهلوی فراهم آمده بود نابود شود و کارد به استخوان برسد تا قطعنامه مورد قبول قرار گیرد.

به رغم احترامی که برای همه تحلیل‌ها و تعلیل‌های مربوط به ادامه جنگ قائلم به گمانم تقدیس جنگ که در تعبیر دفاع مقدس! آشکار است وضعیتی را در بدنه وفاداران انقلاب پدید آورده بود که جنگ را نه عامل ویرانی کشور، که سرمایه ایدئولوژیکی حیاتی برای کشور می‌دید. آن فضا حتی مسئولان بلندپایه کشور را تحت تاثیر خود قرار داده بود تا جایی که پایان فضای جنگ و ایثار و شهادت و خاموش شدن صدای آهنگران را عامل افسردگی و احساس پوچی و بیهودگی می‌دیدند.

آنان - والیته جوانان و نوجوانانی مثل من - زندگی و آسودگی را گناهی عظیم می‌شمردند که هر لحظه باید از آن گریخت. گریز از زندگی و تقدیس مرگ میراثی است که در جنگ رقم خورد که سبب تداوم آن به مدت ۸ سال شد در حالی که ابتدا قرار بر دفاع بود و نه اشغال خاک دشمن.

زمانی که دشمن را از خاک خود بیرون رانیدیم و دشمن هم صلح را گدایی می‌کرد و واسطه می‌فرستاد تازه اعتماد به نفس پیدا کردیم که حال که اقتدار ما ثابت شده، چرا اصلا عراق را به تصرف خود در نیاوریم؟! ❖

این شد که جنگ را پس از فتح خرمشهر پایان ندادیم بلکه از دفاع در خاک و از خاک خود به هجوم به خاک دشمن وارد شدیم و فاو را گرفتیم.

علی‌اکبر صالحی رئیس سابق انرژی اتمی ایران هم می‌گوید هدف از غنی‌سازی ۶۰ درصدی استفاده از آن به عنوان اهرم فشار و امتیاز گرفتن از آمریکا بر سر میز مذاکره بوده است.

اما اکنون خود این سطح از غنی‌سازی تبدیل به غول شده است. صالحی درست می‌گوید زیرا همین غنی‌سازی ۶۰ درصدی بخش عمده جامعه بین‌الملل را اقتناع کرد که ایران در پروژه هسته‌ای خود اهداف نظامی را دنبال می‌کند و در زمینه‌سازی برای تجاوز نظامی به ایران سهیم بود.

این حجم ۴۰۰ کیلوپی اورانیوم غنی‌شده اکنون مثل دفاع یا جنگ مقدس با عراق تبدیل به امام‌زاده‌ای شده است که نمی‌توان کنارش گذاشت.

تنگه هرمز هم رفته رفته تبدیل به امام‌زاده می‌شود و عده‌ای گمان می‌کنند که بهتر است با فشردن گلوی این تنگه و اخذ عوارض عبور و مرور کشتی‌ها از آن تمام مشکلات کشور را می‌توان حل کرد.

برای همین مرتب نرخ تفاهم با ایران را برای آمریکا بالا می‌برند تا جایی که تفاهم و توافق را برای آمریکا از صرفه و صلاح ببندازند.

رئیس جمهور پزشکیان می‌گوید در ۵۰ روز از محاصره یک بشکه نفت فروختیم اما در یک هفته پس از تفاهم ۳۶ میلیون بشکه نفت فروختیم. راه‌های جایگزین خلیج فارس هم قدرت پاسخ‌گویی به نیازهای کشور را نداشت.

آن‌هایی که یک‌دنده روی تداوم نبرد با آمریکا و تداوم جنگ منطقه‌ای پافشاری می‌کنند خوش‌حالتند از این که دولت ۲۰ میلیون بشکه نفت در اختیار بخش نظامی قرار داده است تا توان موشکی و پهبادی کشور تقویت شود اما برای تقویت معیشت مردم و کاهش بی‌کاری و گرانی و تورم و فلاکت هیچ ایده‌ای ندارند.

مردم باید بی‌پولی را تحمل کنند اما نهادهای نظامی که نمی‌توانند بی‌پول موشک بسازند.

اکنون در آغاز مذاکرات میان ایران و آمریکا عده‌ای که خاطرات بمباران‌های وحشیانه از یادشان گریخته است در پی دمیدن در تنور نزاعی بی‌پایان با دشمنان هستند که نتیجه آن نابودی الباکی توان و دارایی و سرمایه کشور است.

هم جنگ با صدام مقدس بود که تا رمق داشتیم ادامه دادیم هم غنی‌سازی ۶۰ درصد مقدس است که می‌خواهند حفظ کنیم هم تنگه هرمز مقدس است که می‌خواهیم قطره چکانی‌اش کنیم. اصلا ما را چه به صلح؟! حداقل تا زمانی که از شکست خود مطمئن نشدیم صلح بی‌صلح!

فرصت صلح را هم تبدیل به سنگ خواهیم کرد. خدا نکند!

📌 با ما از طریق آدرس زیر در تماس باشید:
@Nehzatadiran